

A Comparative Analysis of the Reaction of Iranian Nationalist and Islamic Movements to Pan-turkism, from the Constitutional Revolution to the End of the First Pahlavi Dynasty

✉ **Sayyed Zakaria Mahmoudi Raja**  / Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran z.mahmoudiraja@scu.ac.ir
Mohammad Nima Kamrani / B.A. in Political Science Student, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran
kamraninima29101382@gmail.com

Zahra Momeni / B.A. in Political Science, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran

Received: 2025/08/31 - Accepted: 2025/11/17

zahramomeni0125@gmail.com

Abstract

In recent decades, the synergy of neo-Ottomanism and Pan-Turkism in Türkiye and the Republic of Azerbaijan, and the exploitation of ethnic agitation in northwestern Iran, have once again activated identity and territorial threats. This research, based on historical sociology and a comparative approach, examines how the two currents of Islamism and nationalism confronted Pan-Turkist movements from the Constitutional Revolution to the end of the first Pahlavi dynasty. The research method is qualitative and the data was collected through documentary studies and social historical analysis. The results show that in the context of political instability, the experience of losing parts of the territory, and the necessity of a centralized state, both currents agreed on preserving territorial integrity and national cohesion; however, important differences in approach and tools are evident. Nationalists relied on the memory of Iranshahr, the consolidation of geographical borders, and history-oriented narratives; while Islamists focused on religious-cultural cohesion, transnational solidarity networks of the nation, and defense mobilization. The research concludes that separatist movements, especially Pan-Turkism, led to the convergence of these two currents in identity and territorial defense; however, the differences in the bases of legitimacy and methods of mobilization led to the formation of different patterns of confrontation, and its effects are still visible in contemporary Iranian politics.

Keywords: Pan-Turkism, nationalism, Islamism, national identity, historical sociology.

تحلیل تطبیقی واکنش جریان‌های ملی‌گرا و اسلامی ایران به پان‌ترکیسم، از انقلاب مشروطه تا پایان پهلوی اول

✉ سیدزکریا محمودی رجا  / استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
z.mahmoudiraja@scu.ac.ir

محمدنیماکامرانی / دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران
kamraninima29101382@gmail.com

زهرامؤمنی / دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران
zahramomeni0125@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۹ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۶

چکیده

این پژوهش با تکیه بر جامعه‌شناسی تاریخی و رویکرد تطبیقی، به بررسی نحوه مواجهه دو جریان اسلام‌گرایی و ملی‌گرایی با تحركات پان‌ترکیستی از انقلاب مشروطه تا پایان پهلوی اول می‌پردازد. روش تحقیق، کیفی است و داده‌ها از طریق مطالعات اسنادی و تحلیل تاریخی اجتماعی گردآوری شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در بستر بی‌ثباتی سیاسی، تجربه از دست رفتن بخش‌هایی از قلمرو و ضرورت دولت متمرکز، هر دو جریان بر حفظ تمامیت ارضی و انسجام ملی اتفاق نظر داشتند؛ با این حال، تفاوت‌های مهمی در رویکرد و ابزار به‌چشم می‌خورد. ملی‌گرایان بر حافظه ایران‌شهر، تثبیت مرزهای جغرافیایی و روایت‌های تاریخ‌مدار تکیه داشتند؛ درحالی‌که اسلام‌گرایان انسجام مذهبی - فرهنگی، شبکه‌های همبستگی فراملی امت و بسیج دفاعی را محور قرار می‌دادند. جمع‌بندی پژوهش بیان می‌کند که تحركات تجزیه‌طلبانه، به‌ویژه پان‌ترکیسم، موجب هم‌گرایی این دو جریان در دفاع هویتی و سرزمینی شد؛ اما اختلاف در مبانی مشروعیت‌بخش و شیوه‌های بسیج سبب شکل‌گیری الگوهای متفاوتی از مواجهه گشت و آثار آن در سیاست ایران معاصر همچنان قابل مشاهده است.

کلیدواژه‌ها: پان‌ترکیسم، ملی‌گرایی، اسلام‌گرایی، هویت ملی، جامعه‌شناسی تاریخی.

بیان مسئله

در سال‌های پایانی قاجار و پس از بازگشت مشروطیت، نه تنها نظم و قانون تثبیت نشد، بلکه بحران در ساخت قدرت و هویت ملی نیز شدت گرفت. نهادهای سیاسی تازه‌تأسیس توان مهار ناامنی و بی‌ثباتی را نداشتند و دولت مرکزی در برابر بحران‌های مرزی و مداخلات خارجی عملکردی ضعیف نشان داد. در نتیجه، مسئله توانایی دولت در حفظ بقا و ایجاد انسجام ملی به دغدغه اصلی نخبگان تبدیل شد و تجربه شکست‌های سرزمینی این دغدغه را تقویت کرد (افشاری و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱۳۴-۱۴۰؛ زهیری، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵). در همین چهارچوب، مطبوعات سیاسی، از جمله آینده، تنها بازتاب‌دهنده این نگرانی‌ها نبودند؛ بلکه با تولید گفتمان جدیدی که میان نظم سیاسی و یکپارچگی سرزمینی پیوند برقرار می‌کرد، خود نیز در شکل‌دهی آن نقش داشتند.

در ادامه این روند، پان‌ترکیسم به عنوان محصول ناسیونالیسم ترکی و تحولات پس از فروپاشی عثمانی ظهور کرد و به تدریج با بهره‌گیری از ضعف دولت مرکزی و تنوع زبانی و فرهنگی مناطق مرزی، به تهدیدی جدی برای انسجام سرزمینی ایران تبدیل شد (اتابکی، ۱۳۸۵، ص ۳۲؛ آبراهامیان، ۱۴۰۱، ص ۵۲؛ احمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۴). همین تهدید خارجی سبب شد که دو گفتمان اصلی سیاست ایران واکنش‌های خاص خود را سامان دهند: از یک سو ملی‌گرایی ایرانی با تأکید بر میراث تمدنی و انسجام فرهنگی تلاش کرد تا هویت‌های ایلی و قومی را در قالب ایران واحد بازتعریف کند (Amuzgar, 1991, P.140؛ نظری، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰-۱۵۳)؛ از سوی دیگر، اسلام‌گرایی شیعی با تکیه بر پیوندهای مذهبی و تاریخی، چهارچوبی فراملی برای کاهش گسست‌های قومی ارائه داد (احمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۵؛ زهیری، ۱۳۸۰، ص ۱۰۷).

با وجود این تلاش‌ها، همپوشانی عملی میان دو گفتمان در دوره بحران پایدار نماند. به تدریج و با کاهش فشارهای بیرونی، شکاف‌های هویتی دوباره بروز یافت و سپس در قالب تحولات ژئوپلیتیکی جدید، مانند هم‌گرایی ترکیه و جمهوری آذربایجان و گسترش ایدئولوژی نوعثمانی، احیا شد (آبراهامیان، ۱۴۰۱، ص ۵۴؛ ولی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۴۲؛ احمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۹). از این رو الگوی تکرارشونده تهدید، واکنش و بازتولید به یکی از ویژگی‌های پایدار تاریخ سیاسی ایران تبدیل گشت و نشان داد که مدیریت این چرخه برای مقابله با بحران‌های هویتی امروز ضروری است. بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش، بررسی منطق، ابزار و پیامدهای واکنش ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی ایران به پان‌ترکیسم از آغاز مشروطه تا پایان پهلوی اول است و نیز اینکه بازخوانی تطبیقی این تجربه در چهارچوب جامعه‌شناسی تاریخی چگونه می‌تواند به درک و مدیریت چالش‌های هویت سرزمینی کنونی یاری رساند.

۱. پیشینه تحقیق

در یک قرن اخیر، مسئلهٔ پان‌ترکیسم از سطح گفتمان قوم‌گرایانه به یکی از محورهای اصلی مطالعات هویت ملی، انسجام فرهنگی و امنیت ژئوپلیتیک ایران تبدیل شده است. آثار متأخر در جامعه‌شناسی سیاسی، آن را در پیوند با تحولات ناسیونالیسم قومی و فرایند دولت‌ملت‌سازی در ایران تحلیل کرده‌اند. طالبی و همکاران (۱۴۰۳) و جباری و همکاران (۱۴۰۱) پان‌ترکیسم را تهدیدی ترکیبی قومی، رسانه‌ای و فراملی دانسته و راه‌حل آن را در تقویت ناسیونالیسم مدنی و نظام چندفرهنگی معرفی کرده‌اند. در سطح میان‌مدت، محمدی ایروانلو و همکاران (۱۳۹۸) دو بزنه تاریخی (بحران آذربایجان در سال ۱۳۲۴ و دههٔ نخست انقلاب اسلامی) را عرصهٔ بروز قوم‌گرایی و جدال مشروعیت هویتی میان دولت و دین دانسته و عبدی و همکاران (۱۳۹۹) سازوکار تحریکات قوم‌گرایانه را در سه سطح محرومیت نسبی، نفوذ رسانه‌ای و سامان‌یابی شبکه‌ای توضیح داده‌اند. این تحلیل‌ها با یافته‌های صالحی و نوازی (۱۳۹۹) تکمیل می‌شود که پیوند ساختاری جمهوری‌آذربایجان و عملیات نرم حاشیه‌ای را منشأ تنش‌های قومی ایران معرفی کرده‌اند.

در بُعد ایدئولوژیک و تاریخی، بیات (۱۴۰۳) در پان‌ترکیسم و ایران نخستین مجموعهٔ مستند از آثار نظریه‌پردازان پان‌ترکیست را عرضه کرده و نشان داده است که این جریان از آغاز بر تخطئهٔ هویت ایرانی و جایگزینی روایت «نژاد - زبان» به جای «تمدن - فرهنگ» بنا شده است. مرادعلی‌بیگی (۱۴۰۳) نیز ریشه‌های فکری پان‌ترکیسم را در نژادگرایی اروپایی و تأکید بر خلوص قومی تحلیل کرده‌اند. صدقی و همکاران (۱۴۰۰) «دورهٔ گذار قاجار به پهلوی» را مرحلهٔ دوم نهادینه شدن ناسیونالیسم ایرانی دانسته‌اند که در آن، زبان ترکی و عناصر عثمانی‌تبار به دیگری بیگانه بدل شدند؛ درحالی‌که ولی‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) استمرار این سیاست در قالب همگون‌سازی فرهنگی دولتی دوران رضاشاه را موجب گسست‌های دیرپای هویتی معرفی کرده‌اند.

پژوهش‌های نظریهٔ دولت نیز پیوند میان تحولات فکری و نهادسازی سیاسی را واکاوی کرده‌اند. نظری (۱۳۸۶)، قرلسفلی و نوریان دهکردی (۱۳۹۷) و افشاری و همکاران (۱۴۰۱) نشان داده‌اند که انقلاب مشروطه، زایش مفاهیم «دولت مقتدر» و «وحدت ملی» را رقم زد و این مفاهیم در دولت پهلوی اول، به‌صورت نهادهای هویتی و اقتدارگرایانه نهادینه شدند. آثار خارجی همچون اتابکی (۱۳۸۵)، لاندو (۱۳۹۶) و گویوشوف (Goyushov, 2019) نیز جدال ناسیونالیسم ایرانی و عثمانی را بستری برای تکوین پان‌ترکیسم به‌عنوان ابزار رقابت ایدئولوژیک منطقه‌ای می‌دانند. در سطح فلسفی و الهیاتی، پژوهش‌هایی مانند قربانی (۱۳۹۶) و محمدی و همکاران (۱۳۹۹) از چهارچوب فلسفهٔ وحدت و کثرت صدرایی بهره گرفته‌اند تا سازوکاری نظری برای جمع میان تنوع فرهنگی و انسجام سیاسی ارائه دهند.

جمع‌بندی ادبیات نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌ها، یا مقطعی و واکنشی به تهدید پان‌ترکیسم بوده‌اند یا تنها بر یکی از دو رویکرد ملی‌گرایانه یا اسلام‌گرایانه تمرکز داشته‌اند. در مقابل، این پژوهش با رویکرد جامعه‌شناسی

تاریخی و با بهره‌گیری از مبانی فلسفی وحدت و کثرت‌صدایی، واکنش ایران را در سه سطح هویتی، نهادی و فراملی از مشروطه تا پایان پهلوی اول بازسازی می‌کند. بدین ترتیب نشان داده می‌شود که این دوره زمانی، دوره شکل‌گیری هم‌زمان دو منبع مشروعیت دولت و دین و زمینه‌ساز منازعات هویتی معاصر ایران بوده است.

۲. مفهوم‌شناسی پژوهش

۲-۱. هویت ملی

هویت ملی حاصل تعامل تاریخی عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است و بر پیوند میان زبان و ادبیات مشترک، حافظه تاریخی، سرزمین یکپارچه، اسطوره‌ها، روایت‌های جمعی و دین استوار می‌شود؛ عناصری که از طریق نهادهایی مانند آموزش، رسانه و آیین‌های اجتماعی در رفتار و ذهن شهروندان نهادینه می‌گردد (عالم و بدیعی، ۱۳۹۹، ص ۱۲؛ گل‌محمدی، ۱۳۸۳؛ محمودی رجا و صالحی‌پور، ۱۴۰۴). این همبستگی گسترده احساس تعلق، آگاهی جمعی و مشارکت را تقویت می‌کند و در مواجهه با تهدیدهای بیرونی نقش چسب اجتماعی و سپر دفاعی مؤثر را بر عهده می‌گیرد (جنکینز، ۱۳۸۱؛ حاجیانی، ۱۳۸۸، ص ۱۳-۱۵). در جوامع چندقومیتی، مدیریت هوشمندانه تنوعات فرهنگی و تقویت عناصر مشترک، شرط حفظ وحدت و جلوگیری از واگرایی است (عالم و بدیعی، ۱۳۹۹، ص ۱۲ و ۱۶). وفاداری به نمادهای ملی، مشارکت در سرنوشت مشترک و کنار گذاشتن مرزبندی‌های فرعی، ضامن پویایی سازوکارهای اجتماعی به‌شمار می‌آید (یوسفی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۶). استحکام این انسجام در پیوند با تاریخ، سنت، زبان، تعلق سرزمینی، مشارکت سیاسی و پابندی دینی جلوه می‌کند (عالم و بدیعی، ۱۳۹۹، ص ۱۶). در نهایت، دوام این هم‌گرایی وابسته به تعامل مداوم لایه‌های تاریخی و اجتماعی و نیز اجماع نخبگان و مردم است و هویت ملی همچون سرمایه‌ای بنیادین، پشتوانه امنیت، وحدت و توسعه کشور باقی می‌ماند (خواجeh‌سروی و محمودی رجا، ۱۳۹۸، ص ۳۶؛ محمودی رجا و صالحی‌پور، ۱۴۰۴).

۲-۲. هویت قومی

هویت قومی در جوامع چندقومیتی‌ای چون ایران به‌معنای احساس تعلق عمیق به یک گروه انسانی مبتنی بر مجموعه‌ای از عناصر عینی و ذهنی مانند زبان، تبار، تاریخ و حافظه مشترک، رسوم، سرزمین اجدادی و باورهای مذهبی و فرهنگی است (برتون، ۱۳۸۰، جنکینز، ۱۳۸۱، ص ۳۴-۳۶؛ حاجیانی، ۱۳۸۸، ص ۳۵). این مؤلفه‌ها به‌واسطه کنش نهادهای اجتماعی، فرایندهای تربیتی و تجربه زیسته، به‌طور مستمر بازتولید و بازتعریف می‌شوند و مبنای شکل‌گیری تمایزات، پیوندها و مرزبندی‌های گروهی را فراهم می‌سازند (محمودی رجا و صالحی‌پور، ۱۴۰۴). هویت قومی تنها به‌معنای داشتن ویژگی‌های قومی و زیستی نیست؛ بلکه شبکه‌ای پیچیده از ارزش‌ها، خاطرات جمعی، باورها و نمادهاست که سبب انسجام و همبستگی اعضای یک قوم می‌شود. این هویت با لایه‌های عاطفی (احساس غرور و دلبستگی)، شناختی (آگاهی تاریخی و تعلق به گذشته) و رفتاری (مشارکت در آیین‌ها و تعاملات اجتماعی) تجلی می‌یابد و نقش مهمی در

استمرار یادگیری جمعی و بازتولید فرهنگی دارد (محمودی رجا، ۱۴۰۰). به تعبیر تحلیلگران، هویت قومی پدیده‌ای پویا و سیال است که متأثر از شرایط تاریخی و تحولات ساختاری، دائماً بازسازی می‌شود و علاوه بر نقش هویت‌آفرینی، می‌تواند به واسطه فرایندهای سیاسی و اجتماعی، زمینه تقویت انسجام ملی یا واگرایی و اعتراضات گروهی را فراهم آورد (برتون، ۱۳۸۰). این پدیده را باید عنصر مهمی در معادلات اجتماعی و سیاسی ایران دانست که نحوه ظهور و اثرگذاری آن، به مدیریت نهادهای ملی، سیاست‌های هویتی و عدالت اجتماعی وابسته است.

۲-۳. پان ترکیسم

پان ترکیسم از اواخر قرن نوزدهم و در بستر دگرگونی‌های ژئوپلیتیک امپراتوری‌های عثمانی و روسیه و نیز تحولات مدرن‌سازی و ملی‌گرایی در جهان اسلام پدید آمد (رضا، ۱۳۸۳، ج ۱۳؛ کولایی و نظامی، ۱۳۹۸، ص ۴۶۲-۴۶۳). این جریان با الهام از اندیشه‌های گاسپیرالی، آکچورا و گوک‌آلپ و بر پایه زبان واحد، اسطوره‌های مشترک و روایت‌های تاریخی ترک‌محور شکل گرفت (رسول‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۴۹) و هدف آن ایجاد وحدتی فراملی تحت عنوان توران بود. پان ترکیسم از یک پروژه فرهنگی به جنبشی سیاسی تبدیل شد؛ به‌ویژه پس از فروپاشی شوروی، که خلأ قدرت در قفقاز و آسیای مرکزی کارکرد ژئوپلیتیکی آن را در ایران برجسته کرد (کدخدازاده و عزیز، ۱۳۹۹، ص ۱۲۳-۱۲۴).

در این دوره، ترکیه و نهادهای حامی پان ترکیسم با فعالیت‌های فرهنگی، رسانه‌ای و حمایت از نخبگان قومی کوشیدند هویت قومی ترک‌زبانان ایران را تقویت کنند و آن را بر هویت ملی تقدم دهند (ابراهیمی و شاکری خویی، ۱۳۹۳، ص ۷؛ کاظمی، ۱۳۸۵). این روند زمینه بروز مطالبات فراملی و گرایش‌های تجزیه‌طلبانه را تقویت کرد (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۱۹). پان ترکیسم با بازنمایی اسطوره‌ای، روایت‌سازی تاریخی و تضادسازی هویتی، شکاف «خودی» و «دیگری» را تشدید می‌کند و با استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی، بر نارضایتی‌های محلی سوار می‌شود و بستر شکل‌گیری شبکه‌های سیاسی - قومی فعال در مناطق ترک‌زبان را فراهم می‌سازد (طالشی و همکاران، ۱۴۰۳؛ کدخدازاده و عزیز، ۱۳۹۹).

هرچند اکثریت ترک‌زبانان ایران به هویت ملی پایبندند، اما در شرایط بحرانی امکان جذب در گفتمان‌های واگرایانه افزایش می‌یابد. در مجموع، پان ترکیسم با تکیه بر عناصر مشترک فرهنگی می‌کوشد هویتی واحد و فرامرزی بسازد؛ اما بهره‌گیری سیاسی و امنیتی بازیگران منطقه‌ای از این جریان آن را به ابزاری برای اعمال فشار و ایجاد بحران‌های قومی تبدیل می‌کند و تحلیل راهبردی آن را برای حفظ انسجام و امنیت ملی ایران ضروری می‌سازد.

۲-۴. مدل مفهومی

مدل مفهومی پژوهش بر پیوند سه سازه هویت ملی، هویت قومی و پان ترکیسم استوار است. در این چهارچوب، هویت ملی ستون انسجام جمعی است و در جامعه چندقومیتی، هویت قومی می‌تواند هم منبع غنا و هم در اثر

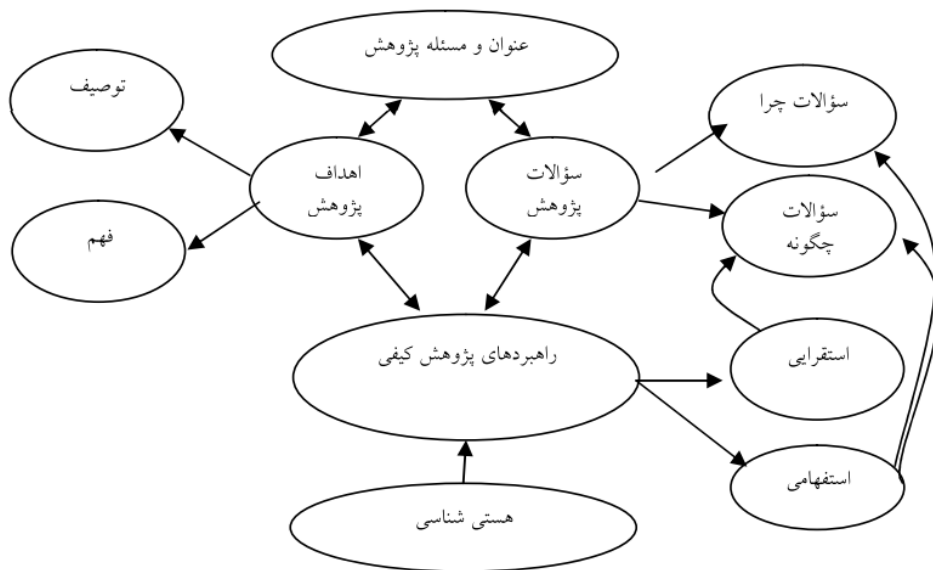
سوءمدیریت یا نفوذ بیرونی زمینه‌ساز واگرایی باشد. پان‌ترکیسم در همین نقطه با تأکید بر عناصر مشترک زبانی و فرهنگی، اولویت هویت قومی ترک‌زبانان را برجسته می‌سازد و شکاف خودی و دیگری را بازتولید می‌کند. بر این اساس، مدل حاضر با رویکرد کیفی و در سه سطح بستر، کنش و پیامد، چرخه‌ای پویا را ترسیم می‌کند که در آن، تهدید پان‌ترکیسم محرک واکنش ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی می‌شود و پیامدهای آن دوباره به ساختارهای هویتی و سیاسی بازمی‌گردد و امکان تکرار چرخه را فراهم می‌کند. این موارد در جدول ۱ آورده شده است. جدول ۱. ارتباط و نسبت سه محور پان‌ترکیسم، ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی در تاریخ معاصر ایران (نگارندگان)

مرحله / لایه تحلیلی	عناصر و مؤلفه‌های کلیدی	پیوند در چرخه کلی
← [۱] بسترهای تاریخی - ساختاری	بحران هویت ملی پس از مشروطه، ضعف اقتدار مرکزی، فشار ژئوپلیتیکی روسیه و عثمانی / ترکیه، نفوذ پان‌ترکیسم و نوع‌ثمنی‌گری از قفقاز و آناتولی	آغاز چرخه: شکل‌گیری شرایط مساعد برای نفوذ ایدئولوژی فراملی و فعال‌سازی واکنش‌های سیاسی اجتماعی
↓		
[۲] ظهور تهدید پان‌ترکیسم	ایدئولوژی وحدت ترک‌زبانان، بهره‌گیری از ناهمگونی قومی - زبانی ایران، اهداف تجزیه‌طلبانه و تغییر ژئوپلیتیک منطقه	نقطه محرک: فعال کردن گفتمان‌های واکنشی
↓		
[۳] واکنش ملی‌گرایی ایرانی	احیای ایرانشهری، زبان فارسی به‌عنوان ستون هویت، ابزار: آموزش، مطبوعات، دولت متمرکز	واکنش فرهنگی سیاسی، همپوشانی مقطعی با اسلام‌گرایی در دفاع از یکپارچگی
↔ برهم کنش افقی	همپوشانی اضطرابی با اسلام‌گرایی	مسیر هم‌زمان در شرایط بحران
[۴] واکنش اسلام‌گرایی شیعی	امت واحده اسلامی، پیوند مذهبی شیعی - سنی، ابزار: شبکه روحانیت، مناسک مذهبی	واکنش هویتی - دینی، همپوشان با ملی‌گرایی در حوزه امنیت سرزمینی
↓		
[۵] پیامدهای کوتاه‌مدت	انسجام نسبی، مهار تهدید پان‌ترکیسم	تثبیت موقت وضعیت؛ اما بدون حل ریشه‌ای شکاف‌ها
↓		
[۶] پیامدهای بلندمدت	بازتولید شکاف هویتی میان دو گفتمان، تداوم آسیب‌پذیری ساختاری	پایان چرخه و بازپیوند به مرحله [۱] بسترها → ایجاد زمینه برای چرخه‌های آینده
↗ بازگشت به مرحله [۱]		بازتولید چرخه تهدید - واکنش - پیامد

هدف در این مدل مفهومی کیفی، ترسیم یک رابطه خطی نیست؛ بلکه نشان دادن سازوکار پویایی است که نحوه شکل‌گیری واکنش‌های ملی‌گرایی ایرانی و اسلام‌گرایی شیعی را در برابر پان‌ترکیسم توضیح می‌دهد. پان‌ترکیسم برخاسته از ناسیونالیسم ترکی و تحولات قفقاز و عثمانی، با اتکا بر ایدئولوژی وحدت ترک‌زبانان، نخبگان مهاجر، شبکه‌های رسانه‌ای و بهره‌گیری از ناهمگونی‌های فرهنگی و زبانی، در پی بازتعریف هویت و گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی بود. اثرگذاری این محرک، در بسترهایی همچون بحران هویت در اواخر قاجار، ضعف دولت مرکزی، فشارهای روسیه و عثمانی / ترکیه، نفوذ ایده‌های فراملی و سیاست‌های تمرکزگرای دولت شکل گرفت. در لایه کنش، ملی‌گرایی ایرانی بر میراث ایران‌شهری، تاریخ باستان، زبان فارسی و دولت متمرکز تکیه داشت و اسلام‌گرایی شیعی بر امت واحد، شبکه روحانیت و پیوندهای مذهبی. این دو گفتمان در شرایط بحرانی برای دفاع از تمامیت ارضی هم‌راستا شدند؛ هرچند در تعریف هویت ملی و نقش دین، زبان و مرجعیت‌های فرهنگی اختلاف پایدار داشتند. پیامد این تعامل به‌صورت چرخه‌ای تبیین می‌شود؛ به این معنا که انسجام کوتاه‌مدت در برابر تهدید بیرونی به‌همراه تداوم تنش‌های هویتی در سطح ساختاری به‌طور هم‌زمان پدیدار می‌شود.

۳. روش تحقیق

این پژوهش در رویکرد کیفی تفسیری قرار می‌گیرد؛ رویکردی که بر فهم بافت‌مند پدیده‌ها و معناسازی اجتماعی آنها تأکید دارد و واقعیت را ساخته کنشگران می‌داند. در این چهارچوب، دانش حاصل تعامل پژوهشگر با میدان بوده و روش‌شناسی بر انعطاف‌پذیری و کل‌نگری استوار است (نیازی، ۱۳۹۰). جامعه‌شناسی تاریخی در دل این رویکرد، چهارچوب اصلی تحقیق را فراهم می‌کند؛ زیرا این رهیافت، پدیده‌های سیاسی و اجتماعی را در پیوند با تحولات تاریخی، ساختارهای قدرت و حافظه جمعی تحلیل می‌کند و با رد تحلیل‌های مقطعی، بر فهم شبکه علی و عاملیتی هر پدیده تأکید دارد (محمودی رجا، ۱۴۰۳، ص ۶۶؛ استنفورد، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸؛ اسکاچپول، ۱۳۸۸، ص ۳۴-۳۶) و تمرکز آن بر موقعیت بینابینی ساختار و عاملیت است؛ به‌گونه‌ای که هم نقش دولت و نیروهای کلان و هم نقش نخبگان و گروه‌های اجتماعی در بازتعریف یا مقاومت هویتی بررسی می‌شود (جمشیدیها و فصیحی، ۱۳۹۰؛ محمودی رجا، ۱۴۰۳، ص ۶۶-۶۷). به‌کارگیری این رویکرد در مطالعه پان‌ترکیسم، این جریان را فراتر از یک تهدید فرهنگی یا قومی معرفی می‌کند و آن را در چهارچوب بحران مشروعیت، گسست هویتی و فرایند ملت‌سازی ایران قرار می‌دهد. از این‌رو جامعه‌شناسی تاریخی امکان تحلیل لایه‌مند و فرایندی برای شناخت ریشه‌ها و پیامدهای این جریان و فهم واکنش نیروهای ملی‌گرا و اسلام‌گرا را فراهم می‌سازد. مراحل انجام تحقیق کیفی در دو شکل زیر مشخص شده‌اند.



شکل ۱. ساختار انجام پژوهش کیفی (Blaikie, 2009, P.81، به نقل از: صادقی فسائی و ناصری راد، ۱۳۹۰، ص ۸۷-۸۹)

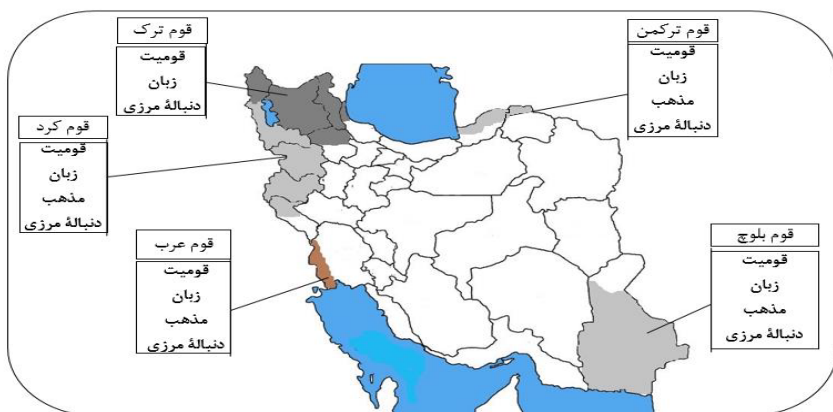
شکل ۱ مسیر درهم‌تنیدهٔ مراحل یک پژوهش کیفی را ترسیم می‌کند؛ مسیری که در این تحقیق نیز به‌طور کامل و با انطباق بر مسئله و عنوان مقاله عملیاتی شده است. این جریان از هستی‌شناسی آغاز می‌شود؛ جایی که پژوهش در چهارچوب رویکرد کیفی - تفسیری و بر مبنای جامعه‌شناسی تاریخی سامان می‌یابد. این بنیان فلسفی بر آن است که واقعیت اجتماعی بر ساختهٔ کنشگران است و تنها از طریق فهم بافتمند، تاریخی و بینادهدنی قابل مطالعه است. جامعه‌شناسی تاریخی به ما امکان می‌دهد تا شکل‌گیری و تحولات پدیده‌ای مانند پان‌ترکیسم را در امتداد روندهای انباشتهٔ تاریخی، ساختارهای قدرت و بازتعریف هویت ملی و دینی ایران واکاوی کنیم.

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. یافته‌های توصیفی: موقعیت‌شناسی اقوام در ایران

موضوع قومیت و گروه‌های قومی، به‌ویژه در کشورهای چندقومیتی و دارای تنوع زبانی و مذهبی، همواره یکی از کانون‌های بحث در حوزهٔ سیاست و امنیت ملی به‌شمار می‌آید؛ چراکه پویایی‌های قومی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر روند توسعه، ثبات و امنیت کشورها تأثیرگذار است (خواجه‌سروی و محمودی رجا، ۱۳۹۸). ایران با سابقهٔ تاریخی دیرینه، تنوع فرهنگی گسترده و جایگاه ژئوپلیتیکی خاص خود، نمونه‌ای شاخص در میان کشورهای منطقه و حتی فراتر از آن محسوب می‌شود؛ کشوری که تکثر قومی، زبانی و مذهبی نه‌تنها مؤلفه‌ای

بنیادین از هویت ملی آن است، بلکه نقش مهمی در شکل‌دهی به سیاست‌گذاری‌های کلان، مدیریت مناسبات اجتماعی و معادلات امنیت ملی داشته است (اکبری و فخاری، ۱۳۹۶، ص ۷۴). بر اساس پژوهش‌های مختلف، ساختار قومی - زبانی جمعیت ایران متشکل از هفت گروه اصلی است که عبارت‌اند از: ترک، کرد، بلوچ، لر، ترکمن، عرب و فارس‌زبان‌ها که در مناطق مختلف شهری حضور دارند. هر یک از این گروه‌ها بسته به موقعیت جغرافیایی، امتداد تاریخی و تعاملات برون‌مرزی، ویژگی‌ها و مطالبات هویتی خاصی دارند (ضرغامی و انصاری‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۹۷). سهم کلی اقوام غیرفارس، بنا بر برخی برآوردها، حدود نیمی از جمعیت کشور است. تمرکز جغرافیایی این اقوام بیشتر در نواحی مرزی، باعث حساسیت، به‌طور ویژه در زمینه سیاست‌گذاری هویتی و امنیتی شده است (مقصودی، ۱۳۸۰، ص ۱۶، محمودی رجا، ۱۴۰۰، ص ۴۴). در شکل ۲، نمایی کلی از این اقوام آورده شده است:



شکل ۲. پراکندگی اقوام در حاشیه مرزی کشور (محمودی رجا، ۱۴۰۰)

تنوع قومی ایران ریشه در ساختارهای ایلی، مذهبی و منطقه‌ای دارد و تفاوت‌های گروهی، بیشتر حول شاخص‌های زبانی و مذهبی شکل گرفته‌اند. این تفاوت‌ها تنها در بستر بسیج سیاسی یا بحران‌های هویتی می‌توانند ابعاد امنیتی یا سیاسی به خود بگیرند. در مجموع، فهم ژرف و چندلایه گروه‌های قومی در ایران مستلزم توجه به ابعاد تاریخی، زبانی و مذهبی و تحلیل شبکه مناسبات متنوع و پویا میان آنان است.

۴-۲. یافته‌های تحلیلی

۴-۲-۱. جریان ملی‌گرایی و مواجهه با پان‌ترکیسم: از انقلاب مشروطه تا پایان پهلوی اول

در آغاز قرن بیستم، ظهور ایدئولوژی پان‌ترکیسم با هدف وحدت زبانی و نژادی اقوام ترک، از آناتولی تا آسیای

میانه، یکی از بارزترین تهدیدهای ژئوپلیتیک و فرهنگی برای ایران متزلزل دوران قاجار بود. این جریان از رهگذر حلقه‌های قفقازی، حزب اتحاد و ترقی عثمانی و آثار متفکرانی چون ضیا گوک‌آلپ به ایران نفوذ کرد و در شمال غرب کشور، به‌ویژه آذربایجان، پایگاه فکری یافت (احمدی، ۱۳۹۵، ص ۵۴؛ پورقلی، ۱۳۸۶، ص ۴؛ رضوی، ۱۳۹۲، ص ۸۷-۸۹). در همان حال، فرسایش اقتدار قاجار و نفوذ روس و عثمانی بستر انتقال این ایده‌ها را فراهم ساخت. بدین‌سان میدان سیاست ایران شاهد تلاقی دو ایدئولوژی متضاد شد: پان‌ترکیسم مبتنی بر نژاد و زبان در برابر ناسیونالیسم ایرانی متکی بر تاریخ و ایران‌زمین. از دل این برخورد، نخستین صورت‌بندی فکری ملی‌گرایی ایرانی پدید آمد که در شش مرحله تاریخی زیر آمده است:

الف) نخستین واکنش‌های مطبوعاتی و نخبگانی در عصر مشروطه (۱۲۸۵-۱۳۰۰ ش)

در فضای مطبوعاتی مشروطه، جرایدی چون *حبل‌المتین*، *میهن* و *نامه وطن* نخستین جبهه تبلیغی ضدپان‌ترکیستی را پدید آوردند. *حبل‌المتین* کلکته در مقاله «وحدت ملیه، حیات قوم است» (۱۳۲۴ ق) بر نقش زبان و فرهنگ مشترک در تداوم ملی تأکید کرد و میهن با انتقاد از رسول‌زاده و مساوات‌چی‌ها، پان‌ترکیسم را مقدمه تجزیه فرهنگی آذربایجان دانست (نظری، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳-۱۴۶). معلمان و روشنفکرانی چون علیصادق‌تبریزی در *نامه وطن* خطر «یکسان‌سازی فرهنگی ترک‌گرایان» را هشدار دادند (رضوی، ۱۳۹۲، ص ۹۵). در همین فضا، قیام شیخ‌محمدخیابانی در ۱۲۹۹ ش با شعار «آزادیستان» تبلور ناسیونالیسم عدالت‌خواه بومی بود. او با تکیه بر ایمان و هویت ملی تلاش کرد تا هم‌زمان با مقابله با استبداد داخلی، در برابر نفوذ فرهنگی عثمانی نیز بایستد (کسروی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۸-۱۲۰). این مرحله را می‌توان نخستین مواجهه فکری میان ملی‌گرایی ایرانی و پان‌ترکیسم دانست که هنوز در قالب گفتمان مطبوعات بروز داشت.

ب) تدوین نظریه دولت مقتدر مرکزی و وحدت ملی (۱۳۰۰-۱۳۰۴ ش)

با گسترش نفوذ عثمانی‌ها و تحركات قوم‌گرایانه، ملی‌گرایان نوظهور ضرورت تمرکز سیاسی و احیای اقتدار مرکزی را محور اندیشه خود ساختند. تقی‌زاده در کاوه نوشت: «اتحاد ملت ایران و قدرت قاهر مرکزی شرط بقای ملی است» (تقی‌زاده، ۱۹۱۶ م، ص ۲-۳). ملک‌الشعرا ییهار در تجدد و در مناظرات مجلس بر این امر پافشاری کرد که دولت متمرکز، نه تنها سپر نظامی، بلکه جوهر فرهنگی وحدت ایران است (یهار، ۱۳۸۷، ص ۱۶۷). کاظم‌زاده نیز در *فرنگستان* با اشاره به شرایط ترکیه و قفقاز، دولت مقتدر را شرط امکان هر اصلاح فرهنگی دانست (کاظم‌زاده، ۱۹۲۳ م ب، نظری، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵). حادثه تیر ۱۳۰۲ ش که در آن روشنی‌بیگ از حزب اتحاد و ترقی عثمانی خواستار جداسازی آذربایجان شد، موجی از نگرانی در مطبوعات ایران برانگیخت و ناسیونالیسم ایرانی را از سطح هشدار فرهنگی به نظریه‌ای سیاسی برای تضمین تمامیت ارضی ارتقا داد (احمدی، ۱۳۹۵، ص ۲۸۰).

ج) شکل‌گیری هسته‌های فکری برلین و ژنو و تکوین ناسیونالیسم آریایی

پس از شکست مشروطه و در جریان مهاجرت نخبگان ایرانی به اروپا حلقه‌های برلین و ژنو به‌رهبری تقی‌زاده، محمودافشار، حسینکاظم‌زاده، پورداوود، فروهر و رشید یاسمی در فاصله ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ش ایدئولوژی تازه‌ای موسوم به «ناسیونالیسم‌آریایی» را بنیان گذاشتند (بهنام، ۱۳۹۶، ص ۷۸-۸۱؛ صدقی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۷۸-۸۰). محور این گفتمان، دفاع از یگانگی تاریخی آریائیان در برابر نژادگرایی ترکی و بازگشت به میراث باستانی ایران بود. در مجلات کاوه، ایرانشهر و نامه‌فرنگستان، زبان فارسی ستون خیمه ملت و عامل تمایز تمدنی با ترکان معرفی شد (کاظم‌زاده، ۱۹۲۳م ب، ص ۲۶۲؛ ارانی، ۱۹۲۴م، ص ۲۵۴). در مقابل، زبان ترکی «عارضه‌ای وارداتی» و فاقد پیوند با هویت ایرانی اعلام گردید. این حلقه‌های فکری با الهام از شرق‌شناسان اروپایی، آریایی تبار بودن آذربایجان و ماهیت ایرانی ترکان محلی را به‌لحاظ تاریخی اثبات کردند (کاظم‌زاده، ۱۹۲۳م ب، ص ۲۵۹-۲۶۶). بدین‌سان، پاسخ معرفتی ناسیونالیسم ایرانی در سطح فلسفه تاریخ و زبان‌شناسی شکل گرفت و مبانی فکری سیاست رضاشاهی را فراهم کرد.

د) تکوین سیاست فرهنگی وحدت ملی از رهگذر آموزش و رسانه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش)

با انقراض قاجار و آغاز دولت پهلوی، نخبگان ملی‌گرا ایده‌های خود را از مطبوعات به ساختار سیاست رسمی منتقل کردند. انجمن ایرانجوان و مجله آینده به سردبیری محمودافشار، صریح‌ترین برنامه برای «تکمیل وحدت ملی» را طرح کردند: آموزش فارسی به‌عنوان زبان واحد، محو اختلافات محلی در لباس، تغییر نام‌های جغرافیایی ترکی و تمرکز اداری (افشار، ۱۳۷۰، ص ۵-۶؛ افشار، ۱۳۰۶، ص ۵۶۰-۵۶۸). افشار هشدار داد که «در ایران تا وحدت زبانی حاصل نشود، استقلال سیاسی در خطر است»؛ جمله‌ای که شعاری رسمی در ملت‌سازی رضاشاهی شد (عباسی‌ترکی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۱۳). در همین راستا، یک‌نواخت‌سازی آموزشی و زبانی از طریق تشکیل فرهنگستان زبان فارسی در سال ۱۳۱۴ تحقق یافت (نیکویخت و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۶۰). این نهاد با پالایش واژگان عربی و ترکی مأموریت سیاسی مقاومت فرهنگی در برابر پان‌ترکیسم را بر عهده داشت. هم‌زمان کمیسیون کتب درسی، زبان‌های محلی را از آموزش حذف کرد و نظام آموزشی متمرکز بر فارسی، ابزار اجتماعی هم‌گرایی ملی شد (دیلمقانی و قاسمی‌ترکی، ۱۳۹۰، ص ۳۴-۳۵).

ه) نوسازی نمادین، مهندسی هویت و بازسازی حافظه ملی

در دوره پهلوی اول، نوسازی نمادین و مهندسی فرهنگی به ابزار اصلی ملت‌سازی و مقابله با پان‌ترکیسم تبدیل شد. وزارت کشور و فرهنگستان ایران با اجرای طرح تغییر نام‌های جغرافیایی، بسیاری از نام‌های ترکی و عربی را با معادل‌های فارسی جایگزین کردند؛ اقدامی که نمونه‌هایی مانند ارومیه و بندر ترکمن آن را نمایان می‌سازد

و هدف آن بازتعریف جغرافیای ملی و کاهش پیوندهای قومی بود (کهنه‌پوشی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۵۳-۵۶). سیاست‌هایی مانند قانون لباس متحدالشکل نیز در همین راستا عمل کرد و نشانه‌های محلی و مذهبی را از عرصه عمومی زدود تا الگوی واحد ایرانی مدرن شکل گیرد (پورمحمدی املشی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳-۲؛ محمدی و سیداحمدی، ۱۳۹۶، ص ۸۸-۹۲). ادبیات نیز به تقویت این روند کمک کرد و شاعرانی چون عارف قزوینی و فرخی یزدی با بازنمایی هویت ملی و نقد فرهنگی پان‌ترکیسم در سامان‌دهی حافظه جمعی نقش مهمی ایفا کردند (قزوینی، ۱۹۲۳م، ص ۱۰۲-۱۰۳؛ کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۱۲۳).

در همین دوره، زبان و تاریخ از سطح سیاست فرهنگی به سطح ایدئولوژی ملت‌سازی ارتقا یافتند. اندیشه‌های افشار و تقی‌زاده این چرخش را هدایت کرد؛ افشار پان‌ترکیسم را خطری برای نژاد و تمدن آریایی دانست و راه مقابله را در گسترش تاریخ ملی و تقویت زبان فارسی معرفی کرد (افشار، ۱۳۰۵، ص ۵۷۱؛ صدقی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۸۱-۸۵). در این چهارچوب، پان‌ایرانیسم به‌عنوان دکترین جایگزین مطرح شد که هدف آن احیای روان جمعی ملت ایران بر پایه تاریخ واحد و زبان مشترک بود. سیاست‌هایی چون بزرگداشت هزاره فردوسی، ترویج‌نامه باستان و آموزش ایران پیشااسلامی پاسخی مستقیم به تاریخ‌سازی پان‌ترکی در عثمانی و ترکیه بود (جلال‌پور، ۱۳۹۱، ص ۴۷-۴۸) و زبان فارسی را به مرز فرهنگی ایرانی و تاریخ باستان را به محور حافظه ملی تبدیل کرد (نیکویخت و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۶۰). این بازسازی هماهنگ حافظه تاریخی، علاوه بر تحکیم وحدت سیاسی، چهارچوبی برای جذب و بازتعریف هویت‌های قومی در هندسه هویت ملی ایران فراهم ساخت. در مجموع باید گفت که تحلیل جامعه‌شناسی تاریخی واکنش جریان‌های ملی‌گرا به پان‌ترکیسم را می‌توان در الگوی «تهدید خارجی - بسیج فکری - نهادینه‌سازی سیاسی» خلاصه کرد. تهدید پان‌ترکیسم از یک گفتمان زبانی به محرک ملت‌سازی دوگانه بدل شد: نخست بازآفرینی میراث باستانی و زبان فارسی به‌عنوان عنصر وحدت؛ دوم تمرکز اداری و فرهنگی برای حذف زمینه‌های نفوذ قوم‌گرایی. از این رهگذر، ناسیونالیسم آریایی، فرهنگستان فارسی و سیاست‌های آموزشی و نمادین رضاشاه، نه صرفاً پروژه مدرن‌سازی، بلکه پاسخی ژرف به بحران هویتی ناشی از پان‌ترکیسم و تجزیه سرزمینی بود.

۲-۴. اسلام‌گرایی و مواجهه با پان‌ترکیسم: از انقلاب مشروطه تا پایان پهلوی اول

در تحلیل تاریخی، مواجهه روحانیت و جریان‌های اسلام‌گرا با پان‌ترکیسم را نمی‌توان نزاعی صرفاً سیاسی میان ایران و جهان ترک‌تبار دانست؛ بلکه باید آن را فرایند رویارویی دو منطق تمدنی تفسیر کرد: جهان‌بینی توحیدی امت‌محور در برابر جهان‌بینی قوم‌محور مدرن. علمای شیعه، برآمده از سنت فکری نجف و کربلا، این ایدئولوژی را نه صرفاً تهدیدی ارضی، بلکه پروژه‌ای برای «قوم‌زدایی از ایمان» می‌دانستند (پورقلی، ۱۳۸۶؛ رضوی، ۱۳۹۲،

ص ۸۵-۸۷). از دید آنان، قوم‌گرایی در هر شکلش، چه در قالب پان‌ترکیسم عثمانی و چه در صورت سکولاریسم آتاتورکی، به‌جای نفی استعمار، راه نفوذ فرهنگی غرب را می‌گشود و با سلب هویت ایمانی، عمق دفاع تمدنی اسلام را فرسوده می‌کرد. از این منظر، مخالفت علما با پان‌ترکیسم، نه واکنش احساسی، بلکه پاسخی معرفتی بود که هم‌زمان بر «صون ایمان» و «صیانت از ایران» تمرکز داشت و زمینه‌تکوین نظریه «ایران‌ایمانی» را فراهم ساخت (رضوی، ۱۳۹۲، ص ۹۰). در ادامه مهم‌ترین واکنش‌های جریان اسلامی در برابر این مسئله تشریح شده است.

الف) اتخاذ راهبرد امت در برابر ملت

در یکی از نخستین برخوردهای فکری با اندیشه پان‌ترکی در قفقاز، علمای نجف و تبریز آن را به‌منزله برتری دادن هویت نژادی بر ایمان دینی تفسیر کردند. مفهوم «امت» در مواجهه با «ملت»، معنایی عقیدتی - دفاعی یافت. در خطابه‌های مشروطه‌خواهان مذهبی، امت اسلامی به‌مثابه اجتماعی از عدالت‌جویان تعریف شد که قومیت در آن فاقد ارزش ذاتی است (بیات، ۱۴۰۳، ص ۵۸-۶۰؛ احمدی، ۱۳۹۵، ص ۳۵۵-۳۵۷). نویسندگان اسلامی مجلاتی چون *العلم و حبل‌المتین* مشهد، هم‌زمان با رشد پان‌ترکیسم نوشتند که «تجزیه ایمان به زبان و خون، بازگشت جاهلیت است» (گرکه، ۱۳۷۷، ص ۴۲۴). این موضع نظری، ریشه در مکتب توحیدی سیدجمال‌الدین‌اسدآبادی داشت که بر وحدت فراقومی مسلمانان در برابر استعمار غربی تأکید می‌کرد (بیات، ۱۴۰۳، ص ۲۳۴). از همین‌رو اسلام‌گرایان «وحدت ترکی» را انحرافی از «وحدت اسلامی» دانستند و آن را مصداق تفرقه استعماری قلمداد کردند. نتیجه، بازتعریف ایمان به‌مثابه مؤلفه بنیادین وحدت اجتماعی بود؛ امر مقدسی که در آن، قومیت تنها ابزار، نه معیار هویت تلقی می‌شد.

ب) استقلال فکری مراجع نجف در برابر اتحاداسلام عثمانی

در جریان جنگ جهانی‌اول، هم‌زمان با پیشروی نیروهای عثمانی به شمال غرب ایران، دولت عثمانی کوشید شعار اتحاداسلام را برای جذب علما به‌کار گیرد؛ اما مراجع نجف، از جمله آیات میرزا محمدتقی شیرازی، محمدکاظم‌خراسانی و میرزای نائینی، با تأکید بر «اسلام مستقل ایرانی» از همراهی با خلافت امتناع کردند (بیات، ۱۳۷۰، ص ۶۵؛ گرکه، ۱۳۷۷، ص ۴۲۵). تلگراف‌های صادرشده از نجف خطاب به علما و مجاهدان تبریز شامل این عبارت بود: «اسلام بی‌استقلال ایران، اسلام بی‌ریشه است» (احمدی، ۱۳۹۵، ص ۳۵۷). این تفکیک نشان می‌داد که مرجعیت، وحدت امت را نه در تبعیت سیاسی، بلکه در اتحاد ایمانی و عدالت‌محور می‌دید. از آن پس خط تمایز میان اسلام سیاسی عربی - عثمانی و اسلام فقهی - ایرانی تثبیت شد و بعدها در نظریه ولایت فقیه و فقه‌مقاومت تأثیر گذاشت (حائریزیدی، ۱۳۸۱؛ رضوی، ۱۳۹۲، ص ۹۵).

ج) جهاد شرعی در برابر تجاوز عثمانی: از مرز جغرافیایی تا مرز ایمان

رخداد سال ۱۳۳۶ ق/ ۱۹۱۸ م که طی آن، ارتش عثمانی با شعار توراناسلامی وارد تبریز شد، آزمون عینی این

مبنای بود. میرزا صادق مجتهد تبریزی و سید ابوالحسن انگجی با انتشار اعلامیه‌ها و فتاوی متعدد، ورود ترک‌های عثمانی را «عدوان ممنوع علیه دارالاسلام ایران» خواندند (بیات، ۱۳۷۰، ص ۶۵-۶۶؛ احمدی، ۱۳۹۵، ص ۳۵۷). این نخستین بار بود که مجتهدان شیعه «جهاد علیه تجاوزگر مسلمان» را به عنوان مصداق جهاد دفاعی مطرح کردند. فقه جهاد از دشمن غیرمسلمان به دشمن مسلمان قوم‌گرا گسترش یافت؛ تغییری بنیادین که مرز ایمان را از مرز قوم جدا ساخت (رضوی، ۱۳۹۲، ص ۹۱). مساجد به مراکز سازمان‌دهی مردمی بدل شدند و واژه «وطن اسلامی» به معنای حفظ سرزمین استقرار ایمان، نه صرف قلمرو سیاسی، در گفتمان شیعی جا گرفت.

د) شیخ محمد خیابانی و پیوند عدالت با دیانت

شخصیت برجسته‌ای چون شیخ محمد خیابانی نماینده متقدم «اسلام سیاسی عادلانه» در ایران بود. او با تکیه بر پیشینه طلبگی و پیوند با مجتهدان تبریز، نژادگرایی ترکی را نفی کرد و در خطابه‌هایش حکومت حقیقی را «عدالت متکی بر ایمان» دانست (کسروی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۸-۱۲۰). قیام او در سال ۱۲۹۹ش در عین دفاع از مشروطه، واکنشی مستقیم به نفوذ ترکیه و فرقه‌گرایی قومی بود. خیابانی با اعلام «آزادیستان»، دین را مبنای وحدت سیاسی و اخلاق عمومی معرفی کرد و در برابر پان‌ترکیسم، ایده «امت عادل ایرانی» را پیش نهاد؛ ایده‌ای که در دهه‌های بعد الهام‌بخش ابوالفضلزنجانی، طالقانی و نخستین هسته‌های عدالت‌خواهی اسلامی شد (احمدی، ۱۳۹۵، ص ۲۳۲؛ رضوی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲).

ه) واکنش به کمالیسم و روند سکولاریزاسیون نژادی در ترکیه

تحولات پس از سال ۱۹۲۴م با لغو خلافت، تغییر خط عربی و انهدام نهادهای دینی توسط مصطفی‌کمال، زنگ خطری برای روحانیت ایران بود. مجلات *آییناسلام* و *العلم* با تحلیل اقدامات آتاتورک، او را «وارث توران بی‌ایمان» خواندند (نعلبندیان، ۱۳۹۹، ص ۱۳؛ عطایی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۲-۱۱۳). خطیبان در منابر قم و مشهد جمهوری ترکیه را نمونه «تمدن مادی بی‌روح» دانستند و هشدار دادند که گسستن دین از سیاست به فروپاشی هویت می‌انجامد (بیات، ۱۴۰۳، ص ۴۴-۴۷). این مواضع پایه‌های فکری نظریه «تمدن اسلامی عدل‌محور» را گذاشت که بعدها در آثار نوگرایان دینی دهه ۱۳۲۰، مانند طالقانی و نخشب، ادامه یافت. بدین ترتیب، تجربه کمالیستی در ترکیه به مثابه عبرت تاریخی، نقش آینه‌ای در هویت‌یابی جریان اسلام‌گرای ایرانی ایفا کرد.

و) نهادینه شدن مقاومت فرهنگی در دوران پهلویاول

با تشدید سیاست همگون‌سازی فرهنگی دولت پس از ۱۳۱۰ و محدود شدن زبان‌ها و آیین‌های محلی، جامعه دینی و حوزه‌های علمیه در برابر دو فشار هم‌زمان پان‌ترکیسم در شمال غرب و سکولاریسم فرهنگی در مرکز قرار گرفتند. آیت‌الله حائری یزدی با سازمان‌دهی شبکه‌ای از وعاظ آذری‌زبان، الگویی از مقاومت فرهنگی بر

پایه امت اسلامی و محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) ایجاد کرد که قومیت‌گرایی را تضعیف و هویت دینی را به پشتوانه انسجام ملی تبدیل می‌کرد (حائری یزدی، ۱۳۸۱؛ رضوی، ۱۳۹۲، ص ۹۹-۱۰۲). آیت‌الله بروجردی این رویکرد را به سطح نهادی ارتقا داد و با اقداماتی مانند تحریم انتخابات مجلس پانزدهم در نواحی اشغالی، مرجعیت را به عامل اصلی ثبات اجتماعی و مقابله با تجزیه‌طلبی تبدیل کرد (رضوی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۵).

این تجربه تاریخی به شکل‌گیری مفهوم فقه مقاومت انجامید که از حوزه جهاد نظامی فراتر رفت و کارکرد اجتماعی یافت. در ماجرای فرقه دموکرات آذربایجان، مراجع نجف و قم با فتاوی جهاد برضد اشغال شوروی و فرقه پیشه‌وری، مقاومت مردمی را مشروعیت بخشیدند و روحانیانی مانند سیدمحمود زنجانی و آیت‌الله ملکوتی رهبری دینی این حرکت را بر عهده گرفتند. نمادهایی چون پرچم ذوالفقار و شعار «نصر من الله» در زنجان نشان‌دهنده پیوند ایمان و دفاع از وطن بودند؛ پیوندی که رضوی آن را عامل اصلی حفظ تمامیت ارضی آذربایجان می‌داند (رضوی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۰).

در مجموع، اسلام‌گرایی ایرانی در نیم‌قرن نخست قرن بیستم با پنج تحول پی‌درپی شکل گرفت: بازتفسیر امت در برابر ملت؛ استقلال مرجعیت؛ گسترش فقه جهاد در برابر تجاوز قوم‌گرایانه؛ پیوند عدالت و ایمان در سیاست؛ و ایجاد شبکه مقاومت فرهنگی و مردمی. این مسیر، نخستین نمونه موفق تلفیق ایمان و وطن و انتقال فقه مبارزه به عرصه اجتماعی بود و در حافظه تاریخی ایران به استقرار مفهوم ایران اسلامی انجامید؛ مفهومی که بقا را بر پایه ایمان تعریف می‌کند و در مقابل پان‌ترکیسم مبتنی بر قومیت قرار می‌گیرد.

۳-۲-۴. تحلیل تطبیقی چرایی و چگونگی مواجهه دو جریان ملی‌گرا و اسلام‌گرا با پان‌ترکیسم

واکاوی تطبیقی واکنش‌های ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی نسبت به پان‌ترکیسم نشان می‌دهد که این دو گفتمان، با وجود هم‌گرایی‌های مقطعی برای مهار تهدید بیرونی، از نظر مبانی، منابع مشروعیت و ظرفیت اجتماعی تفاوت‌های بنیادین دارند. ملی‌گرایی بر تاریخ‌محوری، زبان و نهادهای دولتی تکیه می‌کند تا انسجام فرهنگی و سرزمینی را بازتولید کند؛ درحالی‌که اسلام‌گرایی شیعی از مرجعیت دینی و سرمایه اجتماعی مذهبی برای بازسازی انسجام بر پایه پیوندهای اعتقادی بهره می‌گیرد. در مقابل، پان‌ترکیسم با اتکا بر شبکه‌های فرامرزی، رسانه‌ها و پیوندهای دیاسپورایی مرزهای دولتی را به‌چالش می‌کشد و تمایزات قومی را فعال می‌سازد. حاصل این تعامل سه‌گانه معمولاً چرخه‌ای از تهدید، واکنش موقت و تداوم گسست‌های تازه بوده است؛ زیرا راه‌حل‌های غیردوست‌دار با تنوع، مانند سرکوب فرهنگی یا تأکید یک‌جانبه بر هویت دینی یا ملی، بی‌اعتمادی اجتماعی و ضعف هم‌گرایی را تشدید کرده‌اند. از این منظر، بسیاری از بحران‌های هویتی و سیاسی امروز ریشه در انتخاب‌ها و سازوکارهای این دوره دارد. بنابراین، تحلیل تطبیقی تاریخی - اجتماعی، نه فقط برای بازخوانی گذشته، بلکه برای تدوین الگوی راهبردی مواجهه با بحران‌های هویت و سرزمین در زمان حاضر ضرورت دارد. مهم‌ترین مؤلفه‌های این فرایند در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. محورها و مؤلفه‌های شناخت سه جریان پان‌ترکیسم، ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی در ایران

محور تحلیلی	جریان ملی‌گرا	جریان اسلام‌گرا (شیعی)	جریان پان‌ترکیسم
مبانی هویتی	پیوند زبان فارسی، تاریخ و میراث تمدنی ایران‌زمین؛ عقلانیت تاریخی و سکولار؛ تمرکز بر دولت به‌عنوان منبع انسجام؛ مشروعیت از قرارداد اجتماعی و تجربه تاریخی دولت - ملت	ایمان شیعی، نصوص و سنت مرجعیت به‌عنوان منبع مشروعیت؛ هویت دینی به‌مثابه بنیاد اخلاقی، اجتماعی و سیاسی؛ تأکید بر امت و عدالت الهی به‌جای قوم یا ملت	اشتراک زبانی و اسطوره‌ای در چهارچوب «ترک‌بودگی»؛ قوم‌محوری فراملی با رجوع به روایت‌های تاریخی عثمانی - آلتایی؛ مشروعیت از پیوندهای فرهنگی - تاریخی بیرون‌زا و حمایت ترکیه/جریان ترکانجوان
اندیشه سیاسی	تأکید بر دولت - ملت مدرن، نوسازی متمرکز، قانونمندی و همگون‌سازی فرهنگی دولتی به‌عنوان راه نظم؛ مدرنیزاسیون از بالا و بر مبنای اقتدار بوروکراتیک	پیوند میان سیاست، فقه و اخلاق؛ تمایز و درعین‌حال تعامل با دولت جدید؛ تأکید بر «حاکمیت شریعت» و سامان معنوی جامعه؛ تکوین نظریه «فقه مقاومت» در مواجهه با سلطه بیگانه و گسست فرهنگی	تأکید بر وحدت قومی ترکان فراتر از مرزهای سیاسی؛ ایده ملت بزرگ ترک و سامان‌دهی سیاسی - فرهنگی از نوع فراملی؛ بهره‌گیری از نهادها و پشتیبانی خارجی برای نفوذ در جوامع ترک‌زبان ایران
آرمان / هدف نهایی	تثبیت تمامیت ارضی، ملت‌سازی پایدار و ایجاد شهروندی مشترک مبتنی بر میراث فرهنگی؛ گذار به مدرنیته بومی	تحقق جامعه‌ای که حاکمیت و نظم عمومی بر پایه آموزه‌های شیعی و مرجعیت دینی شکل گیرد؛ حفظ هویت دینی و صیانت از امت در برابر تجزیه و استعمار	تحکیم پیوندهای فراملی ترک‌زبانان و ایجاد نفوذ یا خودمختاری منطقه‌ای؛ گسترش هویت ترک در برابر هم‌گرایی ملی ایران
ابزارها و رسانه‌های تأثیرگذاری	مطبوعات فارسی‌زبان، نهاد آموزشی ملی، موزه‌ها، ادبیات تاریخی و نمادهای رسمی دولت در راستای یکپارچگی فرهنگی	منابر، وعاضا، رسائل و نشریات دینی، شبکه‌های مرجعیت و نهادهای خیریه؛ در دهه ۱۳۲۰ش ابزار صدور فتاوا و بیانیه‌ها برضد نفوذ خارجی	مطبوعات ترک‌زبان، انجمن‌های قومی، رادیوهای برون‌مرزی (استانبول/باکو)، حمایت سیاسی و تبلیغاتی خارجی

۴-۲-۴. اشتراکات دو جریان در مقابله با پدیده پان‌ترکیسم: استعمارستیزی و وطن‌دوستی

در بستر پرآشوب اواخر قاجار و آغاز پهلوی اول، ایران با مجموعه‌ای از بحران‌های سیاسی، اقتصادی و هویتی روبه‌رو بود که نفوذ قدرت‌های استعماری، ضعف دولت مرکزی و گسترش ایدئولوژی‌های برون‌زا، از جمله

پان‌ترکیسم، آن را تشدید می‌کرد. در چنین فضایی، وطن‌دوستی و استعمارستیزی صرفاً دو احساس یا شعار سیاسی نبودند؛ بلکه به دو اصل هویتی و گفتمانی تبدیل شدند که توانستند میان دو جریان ظاهراً متفاوت، یعنی اسلام‌گرایی و وطن‌محور و ناسیونالیسم فرهنگی، نوعی هم‌گرایی ایجاد کنند. اهمیت این هم‌گرایی در آن بود که هر دو جریان، با وجود تفاوت در مبانی فکری، تهدیدهای فرامرزی را خطری برای تمامیت ارضی، زبان فارسی، استقلال سیاسی و انسجام تاریخی ایران می‌دانستند. از این منظر، مقابله با پان‌ترکیسم تنها واکنشی به یک ایدئولوژی قومی نبود؛ بلکه بخشی از مقاومت گسترده‌تر در برابر طرح‌هایی تلقی می‌شد که می‌توانستند وحدت سرزمینی و هویتی ایران را تضعیف کنند.

ادیب‌الممالک فراهانی از نمونه‌های برجسته این پیوند میان دین‌باوری و وطن‌دوستی است. در شعر او، دفاع از وطن با مفاهیم اخلاقی و دینی درهم می‌آمیزد و به سطح یک تکلیف جمعی ارتقا می‌یابد. او با هشدار نسبت به نفاق داخلی و غفلت سیاسی، بر این نکته تأکید می‌کند که ضعف درونی می‌تواند راه را برای نفوذ بیگانه هموار سازد. اشاره او به تجربه سرزمین‌هایی چون قفقاز و هند نیز در همین چهارچوب قابل تحلیل است. این تجربه‌ها برای او نمونه‌هایی تاریخی از پیامدهای غفلت، تفرقه و سلطه بیگانگان‌اند. بنابراین، وطن در نگاه ادیب‌الممالک تنها یک قلمرو جغرافیایی نیست؛ بلکه عرصه‌ای است که دین، استقلال و حیثیت جمعی در آن معنا می‌یابد. از همین رو او جنگ را نه به مثابه خشونت‌طلبی، بلکه تنها در مقام دفاع از دین و وطن مشروع می‌داند و حفظ وطن را در کنار تکالیف دینی قرار می‌دهد. این تلقی نشان می‌دهد که در گفتمان او، وطن‌دوستی به امری قدسی و اخلاقی تبدیل می‌شود و دفاع از سرزمین، بخشی از مسئولیت دینی و اجتماعی انسان مؤمن به‌شمار می‌آید (پازنده میاری و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱۸۸-۱۹۰).

وحید دستگردی نیز همین منطق را با لحنی صریح‌تر و سیاسی‌تر دنبال می‌کند. در شعر او، استعمارستیزی محور اصلی بازنمایی وضعیت ایران است و سلطه روس و انگلیس به‌عنوان فشار دوگانه خارجی بر پیکر کشور تصویر می‌شود. اهمیت نگاه دستگردی در این است که استعمار را فقط سلطه سیاسی یا نظامی نمی‌بیند؛ بلکه آن را عامل فرسایش غیرت ملی، تضعیف استقلال و سقوط اخلاقی جامعه معرفی می‌کند. به همین دلیل، مفاهیمی چون وطن، دین، غیرت و مسلمانی در شعر او در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و نوعی منظومه ارزشی مشترک می‌سازند. در این چهارچوب، وطن‌فروشی صرفاً خیانت به خاک یا حکومت نیست؛ بلکه نشانه‌ای از انحطاط معنوی و گسست از ارزش‌های دینی و ملی است. بنابراین، دستگردی از طریق پیوند دادن استعمارستیزی با اخلاق دینی، مخاطب را به این نتیجه می‌رساند که دفاع از وطن وظیفه‌ای هم‌زمان ملی و ایمانی است؛ وظیفه‌ای که در برابر نفوذ بیگانه و جریان‌های تجزیه‌طلبانه معنا و ضرورت بیشتری پیدا می‌کند (پازنده میاری و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱۹۴-۱۹۶).

ملک‌الشعراى بهار نیز در سطحی نظری‌تر، این پیوند میان وطن، دین و استقلال را در قالب گفتمان ملی‌گرایی سیاسی بازنمایی می‌کند. او منافع استعمارگران را در تضاد بنیادین با حیات ایران می‌داند و هر نوع مصالحه‌ای را که از موضع ضعف بر کشور تحمیل شود، تهدیدی برای موجودیت ملی تلقی می‌کند. در شعر و اندیشه بهار، وطن نه مفهومی انتزاعی، بلکه موجودیتی زنده و آسیب‌پذیر است که برای بقا به آگاهی، غیرت و مشارکت عمومی نیاز دارد. فراخوان او به غیرت اسلامی و جنبش ملی نشان می‌دهد که در گفتمان بهار، دین و ملت در برابر تهدید خارجی، نه در تقابل با یکدیگر، بلکه در نسبت تکمیلی قرار دارند. بدین ترتیب، او نیز مانند ادیب‌الممالک و دستگردی، دفاع از ایران را امری فراتر از سیاست روزمره می‌داند و آن را با مسئولیت تاریخی، شرافت ملی و تعهد دینی پیوند می‌زند (بهار، ۱۳۸۷، ص ۱۶۷، ۲۰۹-۲۰۸، ۴۴۵-۴۴۶؛ پازنده میاری و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱۹۶). برآیند این نمونه‌ها نشان می‌دهد که در مواجهه با پان‌ترکیسم و دیگر ایدئولوژی‌های فرامرزی، دو جریان اسلام‌گرایی و وطن‌محور و ناسیونالیسم فرهنگی به نقطه اشتراک مهمی رسیدند. این اشتراک نه به معنای یکسانی کامل مبانی فکری آنها، بلکه به معنای همسویی عملی در برابر تهدیدهایی بود که تمامیت ارضی، زبان فارسی، استقلال سیاسی و انسجام تاریخی ایران را نشانه می‌گرفت. اسلام‌گرایان با تکیه بر وظیفه دینی دفاع از سرزمین و ملی‌گرایان با تأکید بر هویت تاریخی و فرهنگی ایران، در نهایت به این نتیجه مشترک رسیدند که نفوذ بیگانه و ایدئولوژی‌های تجزیه‌طلبانه، بنیان‌های حیات جمعی ایرانیان را تهدید می‌کند. از این رو استعمارستیزی و وطن‌دوستی را باید دو محور پیونددهنده این دو جریان دانست؛ محورهایی که در برابر پان‌ترکیسم امکان شکل‌گیری نوعی مقاومت فکری، ادبی و سیاسی مشترک را فراهم ساختند.

۴-۲-۵. افتراق‌های بنیادین دو جریان در مقابله با پدیده پان‌ترکیسم

در دوره مشروطه تا پایان پهلوی اول، رویارویی با پان‌ترکیسم به میدان تمایز دو الگوی مشروعیت و هویت سیاسی تبدیل شد: یکی بر دولت و تاریخ مشترک تکیه داشت و دیگری بر ایمان دینی و پیوندهای اعتقادی. هر دو جریان، پان‌ترکیسم را تهدیدی بر تداوم ایران می‌دیدند؛ اما تفاوت‌های بنیادین آنها در مبانی فکری، شیوه بسیج نیروها و افق تاریخی موجب شد که مسیرهای متفاوتی در برابر این جریان شکل گیرد. ملی‌گرایی تهدید را فرصتی برای تمرکز قدرت، ملت‌سازی و بازتعریف هویت ایرانی بر پایه زبان و میراث تاریخی می‌دانست؛ درحالی‌که اسلام‌گرایی آن را خطر فرهنگی و ایمانی تلقی می‌کرد و با تکیه بر مرجعیت دینی و شبکه‌های اجتماعی مذهبی واکنش نشان می‌داد. همین تفاوت، تقابل با پان‌ترکیسم را به صحنه بروز دو نوع عقلانیت سیاسی تبدیل کرد: یکی عقلانیت دولت‌محور و دیگری عقلانیت ایمان‌محور، که این شکاف نه تنها در سطح نظری، بلکه در سازوکارهای بسیج اجتماعی نیز دیده می‌شد.

از منظر مشروعیت سیاسی، ملی‌گرایان دولت را برآمده از تاریخ و میراث باستانی می‌دانستند و آن را تجسم اراده ملی معرفی می‌کردند (افشار، ۱۳۰۴؛ بهنام، ۱۳۹۶). در مقابل، اسلام‌گرایان مشروعیت را از شریعت و مرجعیت دینی می‌گرفتند و جانشینی قوم به‌جای ایمان را انحرافی خطرناک تلقی می‌کردند (رضوی، ۱۳۹۲؛ بیات، ۱۳۷۰). در حوزه اهداف راهبردی نیز ملی‌گرایان در پی حفظ تمامیت سرزمینی و ملت‌سازی از طریق یکپارچگی فرهنگی بودند و پان‌ترکیسم را عاملی برای تقویت هویت ملی جدید می‌دیدند (تقی‌زاده، ۱۹۱۶م؛ احمدی ۱۳۹۵)؛ اما اسلام‌گرایان حفظ استقلال دینی ایران را اصل می‌دانستند و پان‌ترکیسم را تهدیدی بر ایمان و پیوندهای امت می‌فهمیدند (رضوی، ۱۳۹۲).

در زمینه سازوکارهای بسیج، ملی‌گرایی با استفاده از آموزش رسمی، فرهنگستان، ارتش و دستگاه اداری متمرکز بر بسیج ساختاری تکیه داشت؛ درحالی‌که اسلام‌گرایی بر شبکه مساجد، حوزه‌ها و فتوای جهاد دفاعی برای بسیج محلی متکی بود (بیات، ۱۳۷۰). در برداشت از هویت و دشمن نیز تفاوت آشکاری دیده می‌شد؛ برای ملی‌گرایان، پان‌ترکیسم تهدیدی بر ملت ایرانی بود و هویت در مرزبندی با دیگری قومی شکل می‌گرفت؛ اما اسلام‌گرایان دشمن را نه قوم ترک، بلکه قوم‌گرایی بی‌ایمان می‌دانستند و بر دفاع از امت مؤمن در برابر جاهلیت مدرن تأکید داشتند (گرکه، ۱۳۷۷؛ عطایی، ۱۳۷۸).

این تفاوت‌ها در مشروعیت، اهداف، ابزارهای قدرت و تلقی از هویت موجب شد که مواجهه ایران با پان‌ترکیسم در دوره مورد بحث به دو مسیر متفاوت و گاه متعارض تقسیم شود و همین شکاف، در روندهای تاریخی بعدی نیز اثرگذار باقی بماند.

نتیجه‌گیری

پان‌ترکیسم در تاریخ معاصر ایران به‌منزله یکی از چالش‌های سیاسی، امنیتی و هویتی برون‌زا، آزمونی سرنوشت‌ساز برای سرزمین و ذهن ایرانی بوده است. این جریان که از دل بحران امپراتوری عثمانی، پروژه اجتماعی «ترکانجوان» و سپس اصلاحات کمالیستی برخاست، بر آن بود تا با جایگزینی قومیت به‌جای ایمان، طرحی از قدرت نوین بر محور نژاد و زبان ارائه دهد. گسترش این ایدئولوژی از مسیر قفقاز و آناتولی، ایران را در اوایل قرن بیستم در معرض نوعی فشار نرم ژئوپلیتیکی قرار داد؛ فشاری که نه از درون، بلکه از حاشیه مرزها بر بافت فرهنگی و سیاسی کشور وارد می‌شد و مسئله «هویت ملی» را از یک موضوع فرهنگی به مسئله‌ای امنیتی تبدیل کرد.

در این میان، دوره انقلاب مشروطیت تا پایان پهلوی اول مهم‌ترین بستر تاریخی شکل‌گیری پاسخ‌های فکری و نهادی ایران به این پدیده بود. مشروطه با خودآگاهی تازه‌ای نسبت به مفهوم ملت و قانون آغاز شد؛ اما درهم‌تنیدگی سه گفتمان متقابل اسلام‌گرایی عدالت‌خواه، ملی‌گرایی دولت‌محور و تجدد سیاسی غرب‌گرا نظم

فکری ایران را چندپاره ساخت. از دل همین دوره، دو محور اصلی واکنش به پان‌ترکیسم زاده شد: محور دینی که ریشه در فقه مقاومت و مرجعیت داشت و محور ملی که درصدد ملت‌سازی بر پایهٔ زبان و تاریخ برآمد. در دوران پس از مشروطه و به‌ویژه پهلوی اول، این دو گرایش در قالب دو سازوکار متفاوت «تمرکز قدرت» و «تمرکز ایمان» تداوم یافتند و بنیان‌های هویتی ایران کنونی را شکل دادند.

اسلام‌گرایان با درک پان‌ترکیسم به‌عنوان تهدیدی بر وحدت امت و بی‌طرفی ایمان، ساختار دفاع مذهبی و فقهاتی را بنیان نهادند. حوزه‌های علمیه به شبکه‌های حفظ هویت دینی و پیوند تمدنی اسلامی بدل شدند و ایدهٔ «وحدت امت در دل ایران» گفتمان غالب ایشان شد. در مقابل، ملی‌گرایان این تهدید را به محرک احیای ایرانیت تاریخی تبدیل کردند و در قالب پروژهٔ ملت‌سازی فرهنگی، از راه نهادهایی چون نظام آموزش، فرهنگستان زبان فارسی و دولت متمرکز، به بازتعریف ایران مدرن پرداختند. تضاد و تعامل پیاپی این دو رویکرد در همان بازهٔ تاریخی، شالودهٔ تمامی رسوبات فکری و نهادی دوران معاصر ایران را بنا نهاد.

از آن پس، عرصهٔ سیاست ایران به میدان رقابت دو منبع مشروعیت دولت مدرن و شریعت دینی تبدیل شد: یکی در پی حفظ سیادت نژادی و زبانی در برابر نفوذ بیگانه بود و دیگری در پی صیانت از وحدت ایمانی در برابر قومیت‌گرایی. هر دو در دفاع از تمامیت ارضی مشترک بودند؛ اما مسیر و جهان‌بینی‌شان متفاوت بود: ملی‌گرایی از بالا و ابزار قدرت؛ اسلام‌گرایی از پایین و نیروی ایمان. این واگرایی، ضمن حفظ وحدت سرزمینی، مانع از هم‌گرایی معنایی و نهادی شد؛ بدین معنا که مفهوم «ایران» در ذهن سیاسی کشور دو تفسیر متباین یافت و هیچ یک نتوانست دیگری را به‌طور کامل در خود هضم کند.

در افق فراملی، تحولات ناشی از فروپاشی عثمانی، شکل‌گیری ترکیهٔ نو و جمهوری آذربایجان شوروی، ایران را در میانهٔ دو جاذبهٔ متضاد قرارداد: سکولاریسم ناسیونالیستی ترک و کمونیسم قوم‌محور شوروی. واکنش ایران به این فشارها، در قالب تمرکز سیاسی داخلی و مقاومت فرهنگی دینی بروز یافت و هرچند نتوانست از تجزیهٔ جغرافیایی جلوگیری کند، اما مسئلهٔ وحدت معرفتی را حل نکرد.

از دل این تاریخ می‌توان نتیجه گرفت که ثبات و امنیت فرهنگی ایران معاصر در گرو بازسازی رابطهٔ امت و ملت است؛ نسبتی که نه بر حذف یکی به‌سود دیگری، بلکه بر تکمیل متقابل عقلانیت سیاسی و جهان‌بینی توحیدی استوار می‌شود. تنها در چنین بازخوانی توحیدی از هویت ایرانی است که می‌توان تهدیدهای قوم‌محور و فرامرزی را از سطح بحران امنیتی، به سطح ظرفیت تمدنی بدل کرد و از تجربهٔ تاریخی مشروطه تا پهلوی اول، به الگویی پایدار برای زیست توحیدی درون‌ملی دست یافت.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۴۰۱). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- ابراهیمی، سجاد؛ شاکری خوبی، احسان (۱۳۹۳). بررسی نقش گفتمان پان‌ترکیسم در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۱۱ (۴۳)، ۲۴-۱.
- اتابکی، تورج (۱۳۸۵). *تجدد آمرانه*. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه. تهران: ققنوس.
- احمدی، حمید (۱۳۸۸). ترکیه، پان‌ترکیسم و آسیای مرکزی. *فصلنامه اوراسیای مرکزی*، ۲ (۵)، ۲۲-۱.
- احمدی، حمید (۱۳۹۵). *قوم و قومیت‌گرایی در ایران*. تهران: نشر نی.
- ارانی، تقی (۱۹۲۴م). آذربایجان یا یک مسئله حیاتی و مماتی ایران. در: *زبان فارسی در آذربایجان*. گردآوری: ایرج افشار. تهران: انتشارات علمی.
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۷). *درآمدی بر فلسفه تاریخ (هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، روش‌شناسی)*. ترجمه احمد گل‌محمدی. تهران: نشر نی.
- اسکاچپول، تدا (۱۳۸۸). *بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی*. ترجمه هاشم آقاچری. تهران: مرکز.
- افشار، ایرج (۱۳۷۰). *نگاهی به آذربایجان شرقی*. تهران: رایزن.
- افشار، محمود. (۱۳۰۶). مسئله ملیت و وحدت ملی ایران. *مجله آینده*، ۲ (۸)، ۵۹-۵۶.
- افشاری، کیانوش؛ عامری گلستانی، حامد و جلال‌پور، شیوا (۱۴۰۱). دولت مقتدر و مسئله وحدت ملی در *مجله آینده*. *فصلنامه تاریخ ایران*، ۱۵ (۱)، ۱۲۳-۱۴۴.
- اکبری، حسین و فخاری، روح‌الله (۱۳۹۶). نقش قومیت در رفتار انتخاباتی اجتماعات چندقومیتی (مورد مطالعه: شهرستان بجنورد). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲ (۲)، ۷۱-۹۰.
- برتون، رولان (۱۳۸۰). *قوم‌شناسی سیاسی*. ترجمه ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۷). *دیوان اشعار*. تهران: نگاه.
- بهنام، جمشید (۱۳۹۶). *برلنی‌ها: اندیشمندان ایرانی در برلین (۱۹۱۵-۱۹۲۳)*. تهران: فرزانه روز.
- بیات، کاوه (۱۳۷۰). ناسیونالیسم ترک و ریشه‌های تاریخی آن. *نگاه نو*، ۲ (۴)، ۵۸-۶۵.
- بیات، کاوه (۱۴۰۳). *پان‌ترکیسم و ایران*. تهران: شیرازه.
- پازنده مباری، یعقوب؛ مهدیان، مسعود و مهدوی، ملیحه (۱۴۰۱). بررسی اندیشه‌های سیاسی شعرای عصر مشروطه با تأکید بر اشعار سیاسی ادیب‌الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک الشعرای بهار. *پژوهشنامه مکتب ادبی*، ۶ (۱۸)، ۱۸۰-۲۱۱.
- پورقلی، محسن (۱۳۸۶). قومیت‌گرایی در آذربایجان؛ ماهیت و عملکرد. *مجله حصون*، ۱۴ (۳۶)، ۱۹۲-۲۱۵.
- پورمحمدی املشی، نصرالله و همکاران (۱۳۹۴). تغییرات فرهنگی در دوره آتاترک و رضاشاه. *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، ۱۶ (۶۴)، ۳-۲.
- تقی‌زاده، حسن (۱۹۱۶م). *نوروز جمشیدی*. *مجله کاوه*، ۱ (۵ و ۶)، ۴-۱.
- جباری، ولی؛ محمدیان، مهرداد و رشیدی آل‌هاشم، محمدرضا (۱۴۰۱). واکاوی نقش نیروهای خارجی بر گرایش‌های قومی در مناطق آذری‌نشین ایران. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۲۳ (۱)، ۱۶۹-۱۸۹.

جلال‌پور، شهره (۱۳۹۱). تحلیل تغییر اسامی شهرهای ایران در دوره پهلوی اول و نقش فرهنگستان ایران. *فصلنامه گنجینه اسناد*، ۲۲(۸۸)، ۴۷-۴۸.

جمشیدیه‌ها، غلامرضا و فسیحی، امان‌الله (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی تاریخی در اندیشه شهید مطهری. *مجله علوم اجتماعی*، ۸(۱)، ۵۳-۷۷. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). *هویت اجتماعی*. ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: نشر شیرازه.

حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۷). نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۹(۳)، ۱۴۳-۱۶۴. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی هویت ایرانی*. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

حائری یزدی، مهدی (۱۳۸۱). *خاطرات دکتر مهدی حائری یزدی*. به کوشش حبیب لاجوردی. تهران: کتاب نادر. خواجه‌سروی، علامرضا و محمودی رجا، سیدزکریا (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل عوامل مؤثر در رأی‌دهی قوم بلوچ به گفتمان اعتدال در انتخابات دوازدهم ریاست‌جمهوری. *فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۲۸(۷)، ۳۳-۷۴.

دبلمقانی، فرشید و قاسمی ترکی، محمدعلی (۱۳۹۰). جایگاه هویت ملی در ایران؛ نگاهی به تطور تاریخی، الگوها و سیاست‌های هویت ملی. *فصلنامه سیاست متعالیه*، ۵(۱۹)، ۱۵۵-۱۷۶.

رسول‌زاده، محمدامین (۱۳۹۲). *جمهوری آذربایجان؛ چگونگی شکل‌گیری و وضعیت کنونی آن*. ترجمه تقی سلام‌زاده. تهران: شیرازه. رضا، عنایت‌الله (۱۳۸۳). *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، مدخل «پان‌ترکیسم». تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

رضوی، سیدعباس (۱۳۹۲). نقش علمای حوزه در مقابله با تجزیه‌طلبی در تاریخ معاصر. *مجله حوزه*، ۳۰(۱۶۹-۱۶۸)، ۸۵-۱۶۰. زهیری، علیرضا (۱۳۸۰). انقلاب اسلامی و هویت ملی. *فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)*، ۲۶(۲)، ۱۰۵-۱۲۴.

صادقی فسائی، سهیلا و ناصری راد، محسن (۱۳۹۰). عناصر بنیادین پژوهش کیفی در علوم اجتماعی؛ هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش. *فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران*، ۵(۳)، ۷۸-۹۸.

صالحی، منصور و نوازی، بهرام (۱۳۹۹). بررسی نقش جمهوری آذربایجان در ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۲(۴)، ۱۰۱-۱۱۸.

صدقی، ناصر؛ سلماسی‌زاده، محمد؛ دین‌پرست، ولی و جعفری، فرهاد (۱۴۰۰). ناسیونالیسم ایرانی و مسئله آذربایجان و زبان ترکی (با تأکید بر مجلات دوره گذار از قاجاریه به پهلوی). *فصلنامه تاریخ اسلام*، ۳۱(۴۹)، ۷۳-۹۱.

ضرغامی، برزین و انصاری‌زاده، سلمان (۱۳۹۱). تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای ژئوپلیتیکی قوم بلوچ از دیدگاه نظریه شکاف‌های سیاسی - اجتماعی. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۴(۳)، ۹۵-۱۰۰.

طالبی، کوثر؛ عباس‌زاده مرزبالی، محسن و رادمرد، محمد (۱۴۰۳). ناسیونالیسم قومی و توسعه‌طلبی ارضی در ایدئولوژی پان‌ترکیسم: چالش‌ها و راهکارها برای ایران. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۲۵(۱۰۰)، ۲۹-۵۴.

عالم، ریحانه و بدیعی، مرجان (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با نگاهی بر جایگاه هویت ملی در سیاست‌گذاری فرهنگی. *فصلنامه دولت‌پژوهی ایران معاصر*، ۶(۴)، ۱۱-۳۹.

عباسی ترکی، حجت؛ کاظمی راشد، منیره؛ امام خوئی، محمدتقی و دری، منیره (۱۳۹۹). بررسی نقش دولت مدرن بر قوم‌گرایی در ایران. *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، ۱۲(۴۴)، ۱۰۷-۱۲۰.

- عبدی، عطاالله؛ ربانی، محمدرضا و خلیلی، رضا (۱۳۹۹). روندشناسی تحولات قومی در منطقه آذربایجان؛ تلاش برای ورود به عرصه سیاسی. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۲۱(۱)، ۱۳۷-۱۶۱.
- عطایی، فرهاد (۱۳۷۸). نگرشی جدید در سیاست منطقه‌ای ترکیه. *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، ۶(۳)، ۱۱۲-۱۱۶.
- فراهانی، ادیب‌الممالک (۱۳۴۵). *دیوان کامل ادیب‌الممالک فراهانی*. به کوشش وحید دستگردی. تهران: فروغی.
- قربانی، مهدی (۱۳۹۶). وحدت‌گرایی و کثرت‌گرایی در فلسفه سیاسی متعالیه. *فصلنامه معرفت سیاسی*، ۹(۲)، ۴۸-۲۹.
- قرلسفلی، محمدتقی و نوربان دهکردی، نگین (۱۳۹۷). اندیشه دولت‌گرایی و ضددولت‌گرایی در عصر مشروطه؛ بازخوانی سه اندیشه. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۳(۳)، ۷۳-۱۰۲.
- قزوینی، عارف (۱۹۲۳م). بنام آذربایجان. *ایران‌شهر*، ۲(۲)، ۱۰۲-۱۰۳.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۹). *اقتصاد سیاسی ایران*. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: مرکز.
- کاظم‌زاده، حسین (۱۹۲۳م الف). آذربایجان (تدقیقات تاریخی). *ایران‌شهر*، ۲(۲)، ۹۵-۱۰۲.
- کاظم‌زاده، حسین (۱۹۲۳م ب). نوروز جمشیدی. *ایران‌شهر*، ۱(۱۰)، ۲۴۹-۲۷۳.
- کاظمی، احمد (۱۳۸۵). پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم؛ مبانی، اهداف و نتایج. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- کدخدازاده، رضا و عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۹). تأثیر سیاست‌های پان‌ترکیستی در روابط جمهوری آذربایجان با ایران. *فصلنامه سیاست جهانی*، ۹(۲)، ۱۱۷-۱۴۶.
- کسروی، احمد (۱۳۷۶). *قیام شیخ‌محمد خیابانی*. تهران: مرکز.
- کولایی، الهه و نظامی، مریم (۱۳۹۸). پان‌ترکیسم؛ برساختن هویت و شکل‌گیری جمهوری آذربایجان ۱۸۹۰ تا ۱۹۲۰. *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۱۲(۲)، ۴۵۹-۴۷۸.
- کهنه‌پوشی، سیدمصلح؛ مهرآیین، مصطفی؛ کاشانی، مجید؛ نوابخش، مهرداد و قدیمی، بهرام (۱۴۰۰). بررسی گفتمان ملی‌گرایی در جریان نوسازی نظام آموزشی ایران در دوره پهلوی اول. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۵(۲)، ۵۰-۷۱.
- گرکه، اولریش (۱۳۷۷). *پیش‌به‌سوی شرق ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول*. ترجمه پرویز صدری. تهران: نگاه.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۳). *جهانی شدن فرهنگ و هویت*. تهران: نشر نی.
- لاندو، جیکوب (۱۳۹۶). *پان‌ترکیسم؛ یک قرن در تکاپوی الحاق‌گری*. ترجمه حمید احمدی. تهران: نشر نی.
- محسنی حقیقی، محمدرضا (۱۳۸۹). *پان‌ترکیسم ایران و آذربایجان*. تهران: نشر سمرقند.
- محمدی ایروانلو، علی؛ شاکری خوئی، احسان و ظهیری، صمد (۱۳۹۸). جهانی شدن و مسئله قومیت‌ها در ایران (دوره جمهوری اسلامی ایران). *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۱۱(۲۲)، ۴۰-۳۹.
- محمدی، منظر و سیداحمدی زاویه، سیدسعید (۱۳۹۶). لباس متحدالشکل؛ بازنمایی قدرت و مدرنیته (دوران پهلوی اول). *فصلنامه تاریخ ایران*، ۱۰(۳)، ۸۸-۹۲.
- محمدی، منوچهر؛ رضوانی، محسن و مبلغ، حفیظ‌الله (۱۳۹۹). ساختار سیاسی مردم‌سالاری دینی در جوامع چندفرهنگی. معرفت

سیاسی، ۱۲(۱)، ۸۳-۶۵.

محمودی رجا، سیدزکریا (۱۴۰۰). مطالعه رفتار سیاسی گروه‌های قومی - مذهبی در انتخابات ریاست جمهوری ایران؛ مطالعه موردی: اقوام بلوچ و ترکمن، رساله دکتری علوم سیاسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

محمودی رجا، سیدزکریا (۱۴۰۳). رویکرد مقاومت‌محور در حکمرانی جمهوری اسلامی: بررسی بسترها و دلایل سیاست‌های هسته‌ای دولت‌های نهم و دهم. فصلنامه معرفت، ۱۶(۱)، ۸۲-۶۱.

محمودی رجا، سیدزکریا و صالحی‌پور، محمدرضا (۱۴۰۴). گردشگری و معمای هویت: حکمرانی چندسطحی و تعادل بین تعلقات ملی و قومی در ایران. فصلنامه دولت‌پژوهی ایران معاصر (در انتظار چاپ).

مرادعلی بیگی، عبدالله (۱۳۹۲). پان‌ترکیسم و وحدت ملی ایران، گیلان: انتشارات سمرقند.

مرادعلی بیگی، عبدالله (۱۴۰۳). ترکیه و پان‌ترکیسم ابزار نفوذ امپریالیسم غرب و ناتو و اسرائیل به قفقاز و آسیای مرکزی. نشریه خواندنی، ۲۲(۲۹)، ۴۵-۲۵.

مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). تحولات سیاسی - اجتماعی ایران. تهران: روزنه.

نظری، علی‌اشرف (۱۳۸۶). ناسیونالیسم و هویت ایرانی؛ مطالعه موردی: دوره پهلوی اول. پژوهش حقوق عمومی، ۹(۲۲)، ۱۴۱-۱۷۳.

نعلبندیان، زوان (۱۳۹۹). افسانه پان‌تورانیسم. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: شیرازه.

نیازی، محسن (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق تلفیقی، جنبش سوم روش‌شناختی در علوم اجتماعی. فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، ۵(۲)، ۱۸۱-۱۵۸.

نیکوبخت، ناصر و همکاران (۱۳۹۰). علل و عوامل تشدید سره‌گرایی در دوره پهلوی و مهم‌ترین پیامد آن. فصلنامه زبان و ادب فارسی، ۳(۹)، ۱۹۸-۱۶۰.

ولی‌زاده، ابراهیم؛ ابراهیم‌پور، داود و احمدش، رشید (۱۳۹۸). تبارشناسی هویت قومی ترک‌زبانان در دوره رضاشاه. مطالعات جامعه‌شناختی، ۱۲(۴۲)، ۵۶-۴۱.

یوسفی، علی (۱۳۸۰). روابط بین‌قومی و تأثیر آن بر هویت اقوام در ایران. فصلنامه مطالعات ملی، ۲(۴)، ۱۳-۴۲.

Amuzgar, J (1991). *The dynamics of the Iranian revolution*. New York: State University of New York Press.

Blaikie, N (2009). *Designing social research*. Cambridge, UK: Polity Press.

Goyushov, A. (2019). A less-known page of Ahmet Ağaoğlu's biography. *Iran and the Caucasus*, 23(3), 349-356. <https://doi.org/10.1163/1573384X23030008->.